

گفتگوی گزارشگران با پیروز زورچنگ فعال سوسیالیست و از جان بدربردگان کشتار زندانیان سیاسی 67 درباره نشست مشترک نیروهای چپ در شهر کلن



در صورتی که بتوان بدور از هر گونه هیجان و جو زدگی به این جمع نگاه کرد ، جمعی است با اشتراکات قابل توجه که امکان ادامه همگامی آنها با پیدا کردن دینامیزم لازم جهت اتحاد عملهای مشترک ممکن خواهد بود. اگر این شروع و همگامی همراه باشد با نقد جمعی از تجربه ها و انحرافات تلاشهای گذشته که ما را یکبار دیگر در یک دور باطل قرار ندهد. آگاهی از انحرافات و شکستهای گذشته بهترین سرمایه این جمع خواهد بود برای به پیش رفتن. برای اینکه چپ بتواند به این پراکندگی فائق آید و بلوغ واقعی خود را نشان دهد راهی ندارد جز اینکه با شجاعت تمام مرز خود را با انحرافات گذشته مشخص کند. ظرفی که این جمع مدعی بنای آن را دارد باید شکلی باشد از حضور فعال و مشارکتی تمامی اعضاء آن با انعطافات مثبتی که دمکراسی مستقیم را هر چه بیشتر دامن بزند و به قولی ژلاتینی باشد

.....

پیروز زورچنگ را بعنوان زندانی سیاسی گذشته و از جان به در بردگان 67 و فعال سیاسی سوسیالیست در تبعید می شناسیم و نامی آشنا در اعتراضات سراسری برای آزادی و برابری است. تلاش ما برای گفتگو با ایشان مثبت بود و از این بابت بسیار خوشحالیم.

پیروز عزیز سپاس از اینکه به درخواست گزارشگران پاسخ دادید.

پیروز زورچنگ:

من هم متشکرم از شما عزیز که این فرصت را برایم ایجاد کردید.

گزارشگران: بنظر ما چپ متشکل در تبعید سالهای درازی دچار خمودگی و انجماد بوده است. اینکه این مجموعه و به این وسعت در خارج از کشور در کنار یکدیگر قرار گرفتند و وعده تلاش برای تشکیل بدیل سیاسی میدهند برای بسیاری از فعالین چپ شادی آور است. امید زاست و زداینده گرد و غبار بی حرکتی و سکون است. البته منظور تشکلهای بطور منفرد یا فعالین آنها نیستند. هر یک از آنها تلاشهایی را سازمان داده اند و مبارزات خود را به انواع دیگر و جداگانه تداوم داده اند.

اتحاد عمل و بالابردن عیار تاثیر گذاری بر حوادث سیاسی قطعا از جمله دغدغه ها و نگرانی های شما هم بوده است. تا چه حد به این واقعه و تدارک آن نزدیک بوده اید و چگونه؟

پیروز زورچنگ:

لازم میدانم به عرض برسانم که من شخصاً در نشست اول حضور نداشتم ولی از طریق رفقای خودم که از روز اول در روند شکل گیری و سازماندهی این حرکت نسبتاً کم نظیر در جنبش چپ ایران فعال بودند بطور کامل در جریان قرار داشتم. سالهای زیادی است که نبود بدیل سوسیالیستی در جنبش مردمی و نداشتن گفتمان مستقل یعنی گفتمان سوسیالیستی در بین طبقه کارگر و زحمتکشان و بخصوص در شرایطی که هر دو ارتجاع صف کشیده (رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و امپریالیسم) در مقابل جنبش مردم ایران سعی در اعمال اراده گفتمان خود بر این جنبش بوده و هستند، آزار دهنده بوده است و مسلماً هر انسان مسنول و معتقد به اراده جمعی را نگران و باعث دغدغه خاطرش شده است. من هم چون خودم را متعلق به این جمع میدانم از این حال و هوا مستثنی نبودم.

گزارشگران: انتظار شخص شما از این مجموعه و تداوم راهش چیست؟ آیا خوشبین هستید؟

پیروز زورچنگ:

در صورتی که بتوان بدور از هر گونه هیجان و جو زدگی به این جمع نگاه کرد، جمعی است با اشتراکات قابل توجه که امکان ادامه همگامی آنها با پیدا کردن دینامیزم لازم جهت اتحاد عملهای مشترک ممکن خواهد بود. اگر این شروع و همگامی همراه باشد با نقد جمعی از تجربه ها و انحرافات تلاشهای گذشته که ما را یکبار دیگر در یک دور باطل قرار ندهد. آگاهی از انحرافات و شکستهای گذشته بهترین سرمایه این جمع خواهد بود برای به پیش رفتن. برای اینکه چپ بتواند به این پراکندگی فائق آید و بلوغ واقعی خود را نشان دهد راهی ندارد جز اینکه با شجاعت تمام مرز خود را با انحرافات گذشته مشخص کند. ظرفی که این جمع مدعی بنای آن را دارد باید شکلی باشد از حضور فعال و مشارکتی تمامی اعضاء آن با انعطافات مثبتی که دموکراسی مستقیم را هر چه بیشتر دامن بزند و به قوی ژلاتینی باشد. در عین حال با مرزبندی کامل با هر دو ارتجاع داخلی و خارجی در پراتیک، همچنان بلند گویی برای بیان خواستهای صدای سوم باشد.

ایجاد چنین شرایطی آن انتظاری است که باعث زودده شدن دل نگرانیها خواهد شد و امیدوار و خوشبین به آینده آن.

گزارشگران: اگر واقع بین باشیم باید در نظر بگیریم که این اقدام بسوی تشکیل بدیل سوسیالیستی در بستری از اختلافات شدید در میان چپ صورت می گیرد. از مسنله تحریم اقتصادی گرفته تا حرکتی سیاسی بنام دادگاه مردمی لندن (ایران تریبونال). آیا چپ میتواند اقدامات سیاسی مشترک برای دراز مدت انجام دهد بدون آنکه در متن اختلافات ایدئولوژیک و سیاسی سرگردان شود؟

پیروز زورچنگ:

باید بگویم این تجمعی است رنگین کمان که از هر گرایشی در جنبش کمونیستی که برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و استقرار سوسیالیسم به عنوان آلترناتیو سرمایه داری مبارزه میکند.

اینکه در این میان نیرو و یا نیروها نی دو دوزه بازی کنند و عملاً همزبان با آن گرایشهایی باشند که معتقدند در صورت حمله امپریالیسم در کنار جمهوری اسلامی خواهند بود، نشانگر بی مسئولیتی و حتی پوزش میخوام بی اخلاقی خودشان است. ملاک شرکت در این 25 جریان تنها آن دو بندی است که در بالا گفتم و هیچ نیروی اجازه تفتیش عقاید نسبت به این جریانات نخواهد داشت مگر اینکه در نظرات خود تجدید نظر کنند که در این صورت جانی در این جمع نخواهند داشت. اما تا زمانی که اشتراکات نیروها را این دو بند تشکیل میدهد، مسنولانه آن است که اختلافاتشان را در آفتاب صراحت دهند و در بستری رفیقانه به مبارزه نظری بپردازند.

گزارشگران: ناگفته پیداست که این حرکت ضمن مثبت بودن آن با شتاب بالای حوادث سیاسی موجود همگام نیست. آیا بنظر شما میتوان راه حلی برای سرعت بخشیدن به این تلاش ها متناسب با شرایط پیدا کرد؟

پیروز زورچنگ:

به نظر من همگامی مناسب وجود ندارد. وضعیت ایران و منطقه و همچنین بین المللی در شرایط بسیار بحرانی است که میطلبد این جمع عکس العملی هماهنگ و به موقع داشته باشد. اجزاء این مجموعه بطور مجزا عکس العملها نی به موقع داشته و دارند ولیکن پراکنده. ضرورت حاکم شدن گفتمان انقلابی، سوسیالیستی ایجاب میکند که متناسب با وضعیت موجود عمل کنند. هر چند معتقدم شتاب نامناسب هم میتواند مشکل ساز شود. در شروع آزمون جدیدی هستیم، وجود بعضی از کاستیها اجتناب ناپذیر است ولی برای بودن و تاثیر گذاری در مبارز جاری باید سعی شود با شتاب حوادث همگام شد.

گزارشگران: فعالین چپ غیر تشکیلاتی که بخش وسیعی از چپ در تبعید را تشکیل میدهند قطعاً نیروی نیستند که تشکل های شرکت کننده در نشست کلن از حضور مستقیم و دمکراتیک آنها در این بدیل سوسیالیستی صرف نظر کنند. شما نقش آنها را چگونه ارزیابی می کنید؟ آیا تلاشی برای ایجاد ارتباط با این طیف انجام شده است؟

پیروز زورچنگ:

شما بد رستی اشاره کردید. بخش وسیعی از چپ رادیکال در تبعید را منفردین تشکیل میدهند. اکثریت قریب به اتفاق منفردین در رابطه با همان مودل اساسی جنبش چپ یعنی در مواجهه با سکتاریسم درون تشکیلاتی از همراهی و همگامی با آنها باز مانده و به کنار رانده شده اند. این بخش از چپ نه صرفاً به خاطر کثرتش بلکه به دلیل ظرفیت بالایی که اکثریت آن در راهپیمایی تا کنونی چپ از خود به نمایش گذاشته باید با پیوستن به این پروژه و داشتن مشارکت کامل در پیش برد آن و تقویتش تلاش کند. موفقیت چپ و فائق آمدن بر کمبودها بدون توجه به این طیف وسیع ناممکن است. البته این مهم را باید در نظر داشت که این حرکت در مسیرش باید تبدیل به ظرفی شود که تمامی معتقدین به آزادی و برابری چه متشکل و چه منفرد بتوانند خود را در آن تعریف

کنند. چنین ظرفی باید فضائی را ایجاد کند که در آن تبادل نظر و گفتگو رفیقانه همراه با اتحاد عملهای مشترک حول اقدامات معین را سازمان دهد.

گزارشگران: هر تلاشی در این زمینه ها با موانعی نیز روبروست و یا میشود. سرچشمه این موانع اختلافات نظری پیشین نیروهای موجود هستند و مشکلات دیگر که نمیتوان از پیش فرموله کرد. بنظر

شما چه نباید کرد تا این مجموعه همچنان به راه خود با موفقیت ادامه دهد؟

پیروز زورچنگ:

آنچه نباید کرد اشتباهاتی است که در گذشته انجام گرفته است و باعث از هم پاشیدگی حداقل دو تلاش (اتحاد چپ کارگری و اتحاد انقلابی) وسیعی که انرژی زیادی صرف آن شدو آن چیزی نبود جز خصلت فرقه گرایی حاکم بر تمامی جنبش چپ رادیکال ایران و خود محوری و ذهنی گرایی که خود را در قله عالم احساس کردن و نداشتن تحمل همزیستی با دگرانشان. در بستر مبارزه طبقاتی جاری که تعبیرات مختلفی از این مبارزه وجود دارد و اختلافات نظری که در بین جمع موجود است، با احترام به داشتن تفاوتهای نظری در دیگران و قائل شدن حقوق مستقل اندیشیدن برای دیگران و فراهم ساختن ظرفی برای تبادل نظر و گفت و شنود و همکاری و همگرایی هر چه بیشتر در بین نه تنها فقط این جمع بلکه با جمع وسیعتر چپ رادیکال و با اتحاد عمل حول اقداماتی معین بر اساس اشتراکات که بطور واقعی وجود دارد و در کنار آن بدون واهمه دیالوگ حول مسائل و مشکلات میتواند این مجموعه را در راه پیمانی موفقیت آمیز یاری رساند. با این روش است که در مواجهه با موانع قاعدتاً از هم نخواهیم پاشید.

گزارشگران: آیا ناگفته ای مانده است؟

پیروز زورچنگ:

امیدوارم که این حرکت با احساس مسئولیت جمعی همراه باشد و همچنان از عواملی که باعث پراکندگیهای گذشته شده پرهیز کنیم و با در نظر گرفتن مصالح کل جنبش به پیش رویم.

ضمن تشکر مجدداً امیدوارم همچنان شاهد تلاش شما برای هر چه بیشتر روشن شدن زوایای گوناگون این حرکت مهم در ارتباطاتتان با دیگران باشیم.

با سپاس مجدد و آرزوی موفقیت برای شما

گزارشگران

بهروز سورن